



ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی
جای خالی کاریکاتور در نمایشگاه گرافیک
 پرتال جامع علوم انسانی

جواد علیزاده

(۶ دینه شماره ۳۵ صفحه ۱۱ ستون ۳) در بخش ایلوستراسیون ضمن همسویی با دیدگاه‌های برگزارکنندگان نمایشگاه حتی هنر مظلوم کاریکاتور را به دلیل ساده‌پسند و ژورنالیستی بودن مورد بی‌حرمتی هم قرار می‌دهد. لابد آقای نقدنویس علیرغم اینکه دارند در مجله‌ای نقد ژورنالیستی می‌نویسند خود را یک غیر-ژورنالیست می‌پندارند.

برخورد هیئت داوران با کاریکاتور متأسفانه هیئت داوران چه در نمایشگاه اول و چه در نمایشگاه دوم هیچ‌گاه کاریکاتور را جدی نگرفته‌اند و در نمایشگاه اخیر نیز

این روزها بحث و تفسیرهای زیادی در مورد دومین نمایشگاه سالانه گرافیک در مجلات مختلف به چاپ می‌رسد بی‌آنکه در یکی از این نقد و تفسیرها پرسیده شود چرا در میان آثار عرضه شده در نمایشگاه جای کاریکاتور ژورنالیستی ایرانی خالی بود؟ آن‌هم با توجه به اعلام قبلی مسئولین نمایشگاه مبنی بر شرکت کاریکاتور در نمایشگاه امسال.

البته اگر خیلی خوشبین باشیم یک یا دو اثر از بین ۷۵۶ اثر را به نوعی می‌توانیم کاریکاتور ژورنالیستی به حساب بیاوریم. متأسفانه در این راستا نقدنویس مجله آدینه در نقدی پیرامون نمایشگاه یاد شده

علیرغم آگاهی قبلی مبنی بر حضور کاریکاتور بعد از ختم نمایشگاه اعلام شد کاریکاتور باید به صورت جدای از ایلوستراسیون و به طور مستقل شرکت داده شود (سروش شماره ۴۷۸ صفحه ۲۶). مگر مسئولین محترم نمایشگاه نمی‌دانند که کاریکاتور خود جزئی از گرافیک است و جدایی این دو از هم مفهومی ندارد؟ و طبق تقسیم‌بندی نشریه گرافیس که ماخذ معتبری برای گرافیک‌هاست کاریکاتور به عنوان گرافیک ژورنالیستی یا طنز گرافیکی (شامل ژورنالیستی و غیرژورنالیستی) در کنار گرافیک تبلیغاتی - فرهنگی (آرم، پوستر، بسته‌بندی و...) جای عمومی را به خود اختصاص می‌دهد. مثلاً آثار میهایسکو، دیوید لوین، تومی اونگر، تیم، محمص و... هم کاریکاتور هستند و هم ایلوستراسیون و نمی‌توان مرزی بین آنها قائل شد. جای کاریکاتور (خواه مستقل و خواه برای یک مطلب) در همان بخش ایلوستراسیون نمایشگاه است. جای روی جلد کتب و مجلات طنز و کاریکاتور در همان بخش روی جلد است و همین‌طور جای پوستر که به شکل کاریکاتور ترسیم شده در همان بخش پوستر است. سایر بخش‌های گرافیک هم به همین شکل... جدایی کاریکاتور از ایلوستراسیون و بهانه‌های این چنینی نه عذری را موجه می‌سازد و نه مشکلی را حل می‌کند، باید به خود کاریکاتور به عنوان اثر گرافیکی از سوی مسئولین توجه شود که چنین نبوده... شاید اگر در جمع هیئت داوران نمایشگاه یک کاریکاتوریست صاحب صلاحیت و بی‌طرف (نظیر غلامعلی لطیفی) نیز حضور می‌داشت چنین وضع بلا تکلیفی به وجود نمی‌آمد. منتقد محترم مجله آدینه به جای اشاره به چنین ضعف آشکار و اینکه چرا علیرغم اعلام قبلی جای کاریکاتور در نمایشگاه خالی است و این یک بام و دو هوا برای چیست؟ با بی‌انصافی تمام به ضدیت با کاریکاتور برخاسته و حتی بعضی طرح‌های بخش ایلوستراسیون را به دلیل شباهت‌هایشان با کاریکاتور ژورنالیستی مورد انتقاد قرار داده و لابد آنها را مایه تنگ برای نمایشگاه نیز می‌دانسته است.

مقایسه کاریکاتور و گرافیک

هنر کاریکاتور متعهدترین و درعین‌حال پرخطرترین هنر گرافیکی است که به منظور تهذیب اخلاق و اصلاح جامعه با سلاح طنز و انتقاد به جنگ بی‌عدالتی‌ها و زشتی‌ها می‌رود. از این رو یک کاریکاتوریست علاوه بر هواخواهان بشمار، دشمنان بسیاری هم دارد. به قول آرت بوخوالد: رژیم‌های مستبد چه چپ، چه راست از یک کاریکاتوریست بیش از بامب‌اتم می‌ترسند. یک کاریکاتوریست علاوه بر مهارت‌های هنری و تکنیکی و دانش هنری باید از سیاست،

فلسفه، جامعه‌شناسی، روانشناسی، ادبیات، ورزش، سینما، تکنه‌سنجی، شوخ‌طبعی و سایر علوم آگاهی داشته باشد ولی یک گرافیکست تبلیغاتی لزوماً نیازی به همه آگاهی‌های مذکور ندارد.

یک کاریکاتوریست به قدرت دست و طراحی قوی خود اتکا دارد در حالی که گرافیکست از ابزار و آلات هم می‌تواند مدد بگیرد. کاریکاتوریست معمولاً می‌تواند به گرافیک (آرم، پوستر، بسته‌بندی...) روی بیاورد ولی کمتر دیده شده گرافیکست قادر به کشیدن کاریکاتور باشد. گرافیکستها اکثراً با سفارش‌دهندگان متمول و سرمایه‌دار طرف قرارداد هستند اما یک کاریکاتوریست کاملاً برعکس، صاحبان سرمایه و متمولین را با نیش قلم خود هجو می‌کند.

مقام راستین کاریکاتور ژورنالیستی

حال باید دید منظور آقای منتقد مجله آدینه از کاریکاتور ژورنالیستی چیست؟ که بی‌محابا به آن تاخته است. اگر انتقاد بر این است که چون کاریکاتور از طریق صفحات روزنامه و به اصطلاح کاغذپاره‌ها (و نه گالری‌ها) عرضه می‌گردد پس فاقد ارزش هنری است باید گفت درست مثل این است که بگوییم چون فیلم از طریق سالن سینما عرضه می‌شود پس فی‌نفسه بی‌ارزش است و حال آنکه جای فیلم در سالن سینماست همان‌طور که جای کاریکاتور در مطبوعات است. کاریکاتور و ژورنالیسم لازم و ملزوم یکدیگرند. اگر انتقاد بر این است که کاریکاتور ژورنالیستی به واسطه اتکا به اخبار روز پس از گذشت زمان کهنه می‌شود باید گفت کاریکاتور ژورنالیستی ممکن است کهنه شود اما فراموش نمی‌شود و به عنوان سند یک عصر برای نسل‌های آینده یادآور دوره‌های تاریخی خواهد بود. ضمن اینکه کاریکاتور صرفاً به ژورنالیستی محدود نمی‌شود. کاریکاتور غیر ژورنالیستی هم وجود دارد. اگر ایراد بر این است که کاریکاتور ژورنالیستی به علت برخورداری از خبر و زیرنویس دیگر مجال اندیشیدن به بیننده نمی‌دهد در جواب عرض می‌شود که اولاً یکی از ویژگی‌های کارتون روزنامه‌های آمیختگی آن با خبر و کلام است ثانیاً کاریکاتوریست‌های نوآوری هم هستند که همان مفاهیم روزمره اجتماعی و سیاسی و به اصطلاح ژورنالیستی را با استفاده کمتر و یا بدون استفاده از کلام در قالبی هنری‌تر و غیر ژورنالیستی نیز عرضه می‌کنند. نظیر هلیو فلورین (مکزیک) که کارتون سیاسی را به شکلی کاملاً نو و هنری خلق می‌کند و اگر احياناً هنوز بعضی کاریکاتوریست‌های ایرانی با استفاده از قالب‌های کلیشه‌ای و تکراری و زیرنویس‌های طولانی بینندگان را به تبلیغ ذهنی و ساده‌پسندی عادت داده‌اند ایراد از کاریکاتور ژورنالیستی نیست ایراد از خود

کاریکاتور است که یا فاقد قوه ابتکار و نوآوری است و یا بالاجبار تن به سوزن سفارشی سردبیر داده است و صحیح نیست همه کاریکاتوریست‌های ژورنالیستی به یک‌جوب رانده شوند. چه‌بسا در گرافیک هم کارهای بازاری عامه‌پسند را در کنار کارهای هنری اقلیت‌پسند می‌بینیم که در این خصوص شخص گرافیکست قابل انتقاد است نه خود هنر گرافیک.

مشکلات مالی و شغلی کاریکاتوریست‌ها

یک کاریکاتوریست با وجودی که در ژورنالیسم رشد می‌کند در ژورنالیسم استشار هم می‌شود. در واقع کاریکاتوریست به سان مرغ عروسی و عزا هم از ناحیه به اصطلاح روشنفکران چوب ژورنالیستی بودن را می‌خورد و هم از ناحیه ژورنالیست‌ها چوب بی‌مهری و بی‌حرمتی را! گرافیکست‌ها معمولاً دستمزد نسبتاً بالایی دریافت می‌کنند و یک سفارش‌دهنده و صاحب کالا چون به دلایل متعدد نمی‌تواند از آرم یا برجسب یا آگهی خارجی برای معرفی کالایش استفاده کند مجبور است به گرافیکست مراجعه کند و از نظر مالی او را تأمین کند اما در مطبوعات شرایط فرق می‌کند. صاحبان جراید لزوماً اجباری ندارند از کاریکاتورهای ایرانی استفاده کنند و در بسیاری مواقع بدون اینکه دیناری بابت کاریکاتور هزینه کنند صفحات خود را با کاریکاتورهای خارجی و کاریکاتورهای قدیمی ایرانی (پس از حذف امضا و دستکاری و بدون رعایت حق و حقوق صاحب اثر) پر می‌کنند و این امر چه در نشریات رسمی و چه غیررسمی از قدیم‌الایام معمول بوده و هنوز هم هست. از این‌رو در مطبوعات نیاز جدی به کاریکاتوریست احساس نمی‌شود و کاریکاتوریست‌ها از ترس شعشیر دموکلسی که بالای سرشان است (کاریکاتورهای مشابه خارجی و یا داخلی قدیمی) مجبورند با حداقل دستمزد گذران زندگی کنند. امروزه با وجود اینکه ثابت شده نشریات طنز و صفحات طنز روزنامه‌های جدی همیشه پرطرفدار بوده‌اند و در این استقبال یقیناً کاریکاتوریست‌ها نقش عمده‌ای داشته‌اند اما صاحبان نشریات طنز و روزنامه‌های خصوصی و دولتی به دلایلی که ذکرش رفت علیرغم خواننده زیاد و فروش خوب همیشه کمترین بودجه را برای حق‌الزحمه کاریکاتوریست در نظر گرفته‌اند.

با این امید که این هنر پویا و خلاق جایگاه و حرمت واقعی خود را در بین سایر شاخه‌های هنر گرافیک به دست آورد.

با احترام

کاریکاتوریست ژورنالیستی

نگاهی به نقاشی‌های نفیسه شهدادی - نشر نقره - شهریور، مهر ۶۸ - تهران
احمد رضا دالوند

نقاشی یا ایلوسترسیون؟

اساس نقاشی‌های نفیسه شهدادی بر مبنای تکرشی عاطفی به اشکال طبیعی و عناصر تجسمی است.

بفهمین دلیل این آثار نه ذهنیت که بیشتر احساس ما را برمی‌انگیزند. و از آنجا که اشکال طبیعی و عناصر تجسمی توسط ادراک ذهنی نقاش هیچگونه تغییر و پالایشی نیافته‌اند، کمتر می‌توان به بررسی و تحلیل فنی آنها پرداخت و هرگاه بخواهیم چیزی از این نقاشی‌ها بگوییم ناچار به توصیفشان می‌شویم. چرا که جنبه توصیفی و روایتی این آثار بر جنبه‌های پلاستیک و صرفاً نقاشانه آنها بی‌چرب و هم از این‌روست که این تابلوها در بهترین نمود خود بیشتر در قلمرو "ایلوسترسیون" قابل مطالعه هستند تا نقاشی.

هرچند که پرده‌های نفیسه شهدادی لحظه‌های نادر و ناشناسی را مرمی می‌کنند و ما را به تأمل وامی‌دارند، اما با کمی دقت متوجه می‌شویم که بیشتر این نقاشی‌ها به‌سادگی در یک فرمول حبس می‌شوند و در یک جمله "گیرم شاعرانه معادل ادبی می‌یابند. و این همان وجه توصیفی و روایتی حاکم بر نقاشی‌های نفیسه شهدادی است که مورد نظر ماست. برای نمونه آنجا که نقاش همه وسعت آسمان را در گوی فیروزه رنگ خرمسره‌ای خلاصه می‌کند یا در آن تابلو که نوری غریب از یک شب پرستاره به خلوت‌خانه می‌خزد، یا در تابلوی دیگر که پرندۀ سبز تنهایی بر ناودان خانه‌ای خاکی بر سایه درختان خشک نشسته یا در یکی دیگر از تابلوها که نور از دریچه‌ای تنگ بر پیاله‌های گلی می‌تابد و پرندۀ نازناشناش شاهد ماجراست و... توصیفاتی از این قبیل. چنانچه آثار نفیسه شهدادی را صرفاً در قلمرو "ایلو-سترسیون" مورد بررسی قرار دهیم و آن وجه ادبی و روایی غالب را موشکافی کنیم خواهیم دید که با یک ادبیات مصور قاب شده در یک نمایشگاه روبروئیم. با ایلوسترسیون آنهم از نوع بسیار صریح و عینیت‌گرا که به‌سهولت می‌تواند در کنار مفهومی مکتوب بنشیند و به آن زینت بخشد. هرچند که ایلوسترسیون در شکل ذهنی و پیچیده خود طریقی است صرفاً بصری و ناپ که ابعاد دیگری به مفاهیم مکتوب می‌دهد که ادبیات قادر به انتقال آنها نیست. ■